

چرا رضاشاه مصدق را نکشت؟

۲۵ اسفند ۱۳۹۹ ساعت ۲۰:۴۱

مخالفت با رضاشاه و جان سالم به در بردن از او، در حکومت پهلوی چیزی شبیه به یک معجزه بود. معمولاً کمتر موردی در تاریخ پهلوی وجود دارد که یک مخالف یا متمرّد سیاسی مشمول خشم و غضب رضاشاه نشده باشد؛ اما محمد مصدق، از جمله کسانی است که توانست ضمن دنبال کردن مواضع سیاسی خود، از خشم و غضب رضاشاه جان سالم نیز به در برد.

مخالفت با رضاشاه و جان سالم به در بردن از او، در حکومت پهلوی چیزی شبیه به یک معجزه بود. معمولاً کمتر موردی در تاریخ پهلوی وجود دارد که یک مخالف یا متمرّد سیاسی مشمول خشم و غضب رضاشاه نشده باشد؛ اما محمد مصدق، از جمله کسانی است که توانست ضمن دنبال کردن مواضع سیاسی خود، از خشم و غضب رضاشاه جان سالم نیز به در برد. اینکه مصدق علی‌رغم مواضع ضدحکومتی توانست در سیستم حکومتی رضاشاه جان سالم به در برد، موضوعی است که برای بسیاری عجیب و جالب است. بسیاری می‌پرسند چرا و چگونه شد که مصدق به مانند دیگر مخالفان سیاسی، به قتل نرسید؟ پاسخ این سؤال در ادامه این نوشته مورد بررسی قرار گرفته است.

مروری بر فعالیت‌های سیاسی مصدق

دکتر مصدق از نظر سیاسی یکی از حامیان انقلاب مشروطه بود. او بعد از انقلاب مشروطه فعالیت‌های سیاسی خود را رسماً آغاز کرد و سمت‌هایی را به دست آورد. مصدق در زمان پادشاهی احمدشاه، به عنوان والی فارس مشغول به کار شد، سپس در دوره نخست‌وزیری قوام‌السلطنه در سال ۱۳۰۰، توانست سمت وزارت مالیه را از آن خود کند. او از سال ۱۳۰۰ تا سال ۱۳۰۲ نیز به عنوان والی آذربایجان و وزیر امور خارجه به خدمت مشغول شد. وی همچنین قبل از انتقال سلطنت از قاجار به پهلوی، یکی از حامیان رضاخان بود. تا جایی که گفته شد قبل از آغاز سلطنت رضاشاه، مصدق یکی از محارم رضاخان و یکی از عوامل موثر تحکیم قدرت او به شمار می‌آمد.

اما بعد از مطرح شدن موضوع انتقال سلطنت از قاجار به پهلوی، مصدق به مخالفت با این طرح پرداخت. با وجود این رضاخان از انتخاب وی به نمایندگی اولین مجلس دوره سلطنت خود جلوگیری نکرد، ولی دکتر مصدق در مجلس رضاخانی هم از استقلال رای خود و ابراز مخالفت با بعضی از برنامه‌های رضاشاه، که آنها را مغایر با مصالح مملکت تشخیص می‌داد، دست برنداشت و به همین جهت به مجالس بعدی دوران سلطنت رضاشاه راه نیافت. ۲ او در دوره ششم با کابینه حسن مستوفی به مخالفت برخاست و صلاحیت دو تن از وزیران او (ذکاءالملک وزیر جنگ، وثوق الدوله وزیر عدلیه) را مخدوش دانست و درباره وثوق الدوله و اقدام وی در انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ مطالب مفصلی ایراد نمود. همچنین با لایحه راه آهن سراسری و اختیارات داور برای انحلال عدلیه مخالفت

بعد از آن مصدق بنا به تصمیمات شخصی از سیاست کناره گرفت و تا سال ۱۳۱۹ به اداره املاک خود در احمدآباد مشغول شد. گفته شده است او طی این دوران بارها خواست تا خود را به زندان معرفی کند، اما هر بار از آن منصرف شد. این تصمیمات به دلیل ترس ناشی از رعب و وحشتی بود که رضاشاه در برابر مخالفان در پیش گرفته بود. با این حال مصدق در تیرماه ۱۳۱۹ به دلایل نامعلوم دستگیر و روانه زندان شد. بدون شک با شناختی که مصدق از حکومت رضاشاه داشت، می دانست سرنوشتی مشابه سرنوشت سایر مخالفان سیاسی در انتظار اوست. او که از عاقبت تیمورتاش، نصرت الدوله و سردار اسعد با اطلاع بود برای اینکه گرفتار مامورین نشود در طول راه و حوالی فیروزکوه به قصد خودکشی اقدام به خوردن تریاک کرد ولی مامورین به موقع متوجه شدند و او را از مرگ نجات دادند. ۴ با این حال مصدق آن طور که فکر می کرد، به سرنوشت سایر مخالفان گرفتار نشد و توانست از حکومت رضاشاه جان سالم به در برد. علت عدم قتل او توسط رضاشاه داستان جالبی دارد.

زنده ماندن مصدق، وساطت پسرش یا شفاعت ولیعهد؟

در رابطه با سالم ماندن مصدق از چنگ رضاشاه دو روایت کلی وجود دارد. یک روایت مؤید آن است که پسر دکتر مصدق، غلامحسین خان عامل وساطت و آزادی او بود و در روایتی دیگر محمدرضا شاه مدعی است که او باعث شفاعت مصدق از پدرش شده است. طبق روایت اول و به نقل از غلامحسین مصدق آمده است: در آن زمان «ارنست پرون بیمار شده بود و من دکتر جراح او بودم و جان او را نجات دادم. روزی ولیعهد که دوستی نزدیکی با پرون داشت از من پرسید: آیا تقاضایی داری؟ من هم آزادی پدرم را در خواست کردم و گفتم: اگر آزادی او ممکن نیست لااقل در ملک خود واقع در احمد اباد تحت نظر قرار گیرد، به این ترتیب با علاقه‌ای که رضاشاه به فرزند خود داشت مصدق از مرگ حتمی نجات یافت.» ۵

در این روایت برخی معتقدند، ارنست پرون عامل و واسطه اصلی برای شفاعت مصدق بود و برخی از نقش پررنگ ولیعهد صحبت کرده‌اند. البته خود شاه نیز در کتاب مأموریت برای وطنم مدعی شده است که اگر او نبود، مصدق حتما طعم مرگ را می چشید: «پدرم مصدق را به اتهام همکاری با یک دولت خارجی و توطئه بر علیه دولت ایران توقیف کرده بود و نمی دانم در فکر وی چه می گذشت که مخالفین خود را به همکاری با خارجی‌ها مخصوصا انگلیسی‌ها متهم می کرد. مصدق به نقطه دورافتاده و بد آب و هوایی تبعید شد و چون پیر و علیل بود به احتمال قوی از این تبعید سلامت بازمی گشت، ولی من از او شفاعت کردم و چند ماه بعد آزاد گردید...» ۶ با این حال آنچه مسلم است و از بررسی این دیدگاه به دست می آید آن است که نقش اصلی در آزادی دکتر مصدق را فرزندش، غلامحسین ایفا کرده است و حتی اگر ولیعهد هم به نوعی واسطه شده باشد، در ازای خدمات و لطف پسر مصدق بوده است.

سخن نهایی

دکتر مصدق در دوره‌ای که بسیاری از مخالفان سیاسی رضاشاه، مشمول حکم زندان و یا مرگ شدند، توانست علیرغم مخالفت با رضاشاه جان سالم به در برد. این موضوع که از نوادر و استثنائات حکومت رضاشاه است، به واسطه فرزند مصدق و حتی اقبال خوش مصدق نصیبش شد، چرا که بسیاری از مخالفان سیاسی آن قدرها هم به اندازه مصدق خوش شانس نبودند. البته باید عزلت سیاسی و کناره‌گیری مصدق از سیاست بعد از انتخابات مجلس ششم را هم در این موضوع تا حدی دخیل بدانیم. مصدق با

کناره‌گیری از سیاست، تا حدودی از چشم رضاشاه دور ماند و فراموش شد؛ شاید اگر او هم به مانند سایر مخالفان سیاسی به فعالیت‌ها و مخالفت‌های خود ادامه می‌داد، چه بسا به سرنوشت بسیاری از مخالفان سیاسی، همچون میرزاده عشقی، فرخی یزدی، سردار اسعد و... گرفتار می‌شد.

فهرست منابع

۱. محمود طلوعی، بازیگران عصر پهلوی، جلد اول، تهران، نشر علم، چاپ چهارم، ۱۳۷۶، ص ۵۱.
۲. همان، صص ۵۱-۵۲.
۳. باقر عاقلی، شرح رجال سیاسی و نظامی ایران، تهران، جلد سوم، نشر گفتارها و علمی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۶۴.
۴. مجید مهران، گفتگو با مجید مهران، به کوشش: مرتضی رسولی پور، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۹۴، ص ۴۸.
۵. همانجا.
۶. محمدرضا پهلوی، مأموریت برای وطنم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹، صص ۱۰۱-۱۰۰.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/48255/چرا-مصدق-رضاشاه>